



نصیحت آلبرایت به جانشین بوش

محمد صادقی

جست‌وجوی مان در یافتن حقیقت موشکافی کنیم و کمتر در خصوص سوال کردن در خصوص آنچه رهبران مان به ما می‌گویند سختگیر باشیم. ما از سوی کاخ سفید به ترسیدن ترغیب شده‌ایم. کاخ سفید به ما فرهنگ ترس را دیکته کرده است؛ فرهنگی که سیاست خارجی ما را محدود و کانالیزه کرده و توانایی‌هایمان را در برقراری ارتباط با دیگران تحت الشعاع قرار می‌دهد.

در طول چند سال اخیر جایگاه آمریکا در جهان سقوط آزادی را تجربه می‌کند چرا که کشور ما تنها سعی دارد واقعیت‌های خود را به دیگران تحمیل کند و در این راستا سعی دارد جهانی بسازد که مطابق با خواسته‌ها و امیال ما باشد؛ آن هم بدون اینکه به نظرات و دیدگاه‌های دیگران توجهی داشته باشد. من به آمریکا عشق می‌ورزم و باور دارم که کشورمان هنوز هم بهترین کشور جهان است اما در کنار آن معتقدم ما فقدان و نبود خودآگاهی را در کشورمان به طرز خطرناکی توسعه داده‌ایم. می‌گوییم هیچ کشوری حق هسته‌ای شدن را ندارد در حالی که خودمان بزرگترین زرادخانه هسته‌ای جهان را در اختیار داریم. می‌گوییم به قانون احترام

کرده در این خصوص می‌نویسد: من معتقدم گران‌بهارترین هدیه‌ای که رییس‌جمهور آینده آمریکا می‌تواند به مردمش هدیه کند این است که به سیاست ترس در این کشور پایان دهد. مسلمان ترس در سیاست‌های دولت آمریکا جایگاه خود را دارد. هفتاد سال پیش، جهان به اندازه‌ی کافی از هیتلر نترسید. امروز هم عراق یک بشکه باروت است که هر لحظه ممکن است منفجر شود. افغانستان چالشی بین‌المللی شده است. پازل پیچیده برنامه هسته‌ای کره شمالی هنوز حل نشده است. از دیگر سو پاکستان تمامی فاکتورهای کشوری که جامعه بین‌المللی را به چالش بکشد، دارد. القاعده و انشعاب‌های آن شایسته توجه بیشتری هستند چرا که وقتی کسانی هستند که صراحتاً می‌گویند ما را بکشند، خیلی احمق خواهیم بود اگر حرفشان را جدی نگیریم. با این اوصاف ما هنوز هم در شرایطی آمیخته با بیم و هراس فزاینده‌ای زندگی می‌کنیم. به ما گفته‌اند که باید بترسیم بنابراین ممکن است کمتر از حد معمول از نظام‌مان محافظت کنیم و کمتر به قوانین بین‌المللی توجه کنیم. همچنین ممکن است کمتر به متحدانمان احترام بگذاریم. کمتر در خصوص

"مادلین آلبرایت" وزیر خارجه اسبق آمریکا معتقد است که برنده‌ی مبارزه انتخابات ریاست جمهوری امسال آمریکا با دردهایی روبه‌رو می‌شود که حداقل از جنگ ویتنام تاکنون بی‌بدیل بوده است. بنابر عقیده آلبرایت رییس‌جمهور جدید آمریکا چه دمکرات باشد چه جمهوری خواه، باید علاوه بر تقای جانکاه در برابر القاعده و ادامه‌ی جنگ در افغانستان و عراق، در رویارویی با چالش‌هایی نظیر خاورمیانه‌ی از هم پاشیده، رژیم‌های خطرناک پیونگ یانگ، پاکستان آشوب‌زده، روسیه پرخاشگر، غول در حال ظهور چین و ناشناخته‌های دوران بعد از فیدل کاسترو آزمون خود را پس بدهد. آلبرایت معتقد است چالش‌های سهمگین تر و جدی تر چهل و چهارمین رییس‌جمهور آمریکا، هدایت ملتی است که در ۷ گذشته ارتش آن تا حد ممکن کش آمده، خزاننش نقصان یافته، اعتبارش کاهش پیدا کرده و ذخایر محبوبیتش به مانند شن‌های بیابان در برابر باد پراکنده شده است.

دست از ترساندن مردم آمریکا بردار
آلبرایت در مقاله‌ای که در روزنامه واشنگتن پست منتشر

بگذارد آن وقت خودمان به پیمان ژنوبی توجهیم و آن را نقض می کنیم. اعلام می کنیم "یا با ما میاید یا علیه ما" و در عین حال از تاثیر تصمیم هایمان بر ترکیه و خاورمیانه غفلت می کنیم. هشدار می دهیم که "دست از سر عراق بردارید" در حالی که تفنگداران مان هنوز بغداد را در اشغال خود دارند. فریاد می زنیم که مراقب رشد نظامی چین باشید در حالی که به اندازه دیگر کشورهای دنیا روی طرح های دفاعی خود هزینه می کنیم. نصیحت می کنیم که به آینده احترام بگذارید در حالی که پیمان های زیست محیطی را نادیده می گیریم. ما باید خودمان را به شکلی بهتر درست همان گونه که دیگران می بینند ببینیم. در چشم جهانیان بسیار مسخره به نظر می رسد که آمریکا با همه ادعای خود در برخورداری از قدرت و ثروت، از مسایلی نظیر تروریسم، دولت های سرکش، مهاجرت غیرقانونی و رقابت اقتصادی خارجی بترسد. مردم خودشان را جای ما می گذارند و از ما انتظار دارند با اعتماد به نفس بیشتری عمل کنیم. بنابراین ما نیز باید همین کار را بکنیم. اما اعتماد به نفس حقیقی به وسیله تمایل نشان دادن به ورود در بحث ها و مجادلات سخت نشان داده می شود. ما باید به انتقادات پاسخ دهیم و با دیگران با احترام رفتار کرده و به سهم خود یا بیشتر برای رفع مشکلات جهانی تلاش کنیم. اعتماد به نفس دقیقاً همان چیزی است که ما آن را به نام آمریکا در بهترین شرایط خود می شناسیم. ما چهار درصد از سیاره ای را تشکیل می دهیم که نصفش را آسیایی نیمه فقیر و یک سومش را مسلمانان تشکیل می دهند و همه اینها آمریکا را بیشتر با عملکردها و تصمیمات اخیرش می شناسند تا دستاوردهایی که در گذشته به دست آورده است. برای بسیاری، دولت بوش همان آمریکا است. سابقه آمریکا در حال خراب شدن است. ما نمی توانیم تنها با عمل کردن بر اساس ترس خود را ترمیم کنیم بلکه تنها راه آموختن درباره دنیای اطراف مان، آموختن زبان گفتمان های خارجی، احترام به عقاید و مسلک دیگران، مطالعه و تحقیق در خصوص بسیاری از جنبه های حقایق تاریخی، مهار کردن تکنولوژی مدرن برای دستیابی به نتیجه ای بنیادی و دارا بودن نگاهی فراتر از جمله ی ساده انگارانه ی خوب یا بد است که می توانیم خودمان را ترمیم کنیم. دعا می کنم که رییس جمهور آینده ی آمریکا آن زمان که قدرت را به دست گرفت تنها ترساندن ما را مدنظر قرار ندهد بلکه به نیاز آمریکا برای بازگرداندن عقایدمان به عنوان یک آمریکایی توجه کند.

۱۰ پیشنهاد آبرایت

برای شروع، آقا یا خانم رییس جمهور: شما باید همیشه با به خاطر سپردن فداکاری های سربازانمان، برای جانشان ارزش قایل شوید، آنان را فقط به ماموریت های حیاتی و اساسی بفرستید، برای انجام شغلشان به اندازه کافی آنان را تجهیز کنید و در اولین فرصتی که شرایط اقتضا می کند آنان

را به وطن بازگردانید.

دوم- باید به این تشخیص رسیده باشید که پرچم آمریکا هم رنگ قرمز دارد و هم آبی، بنابراین فراحیبی بودن رییس جمهور کلمه ریکی نیست [که از به زبان آوردن آن اجتناب کنید]، نه دموکرات ها و نه جمهوری خواهان حق انحصاری بر خود را ندارند.

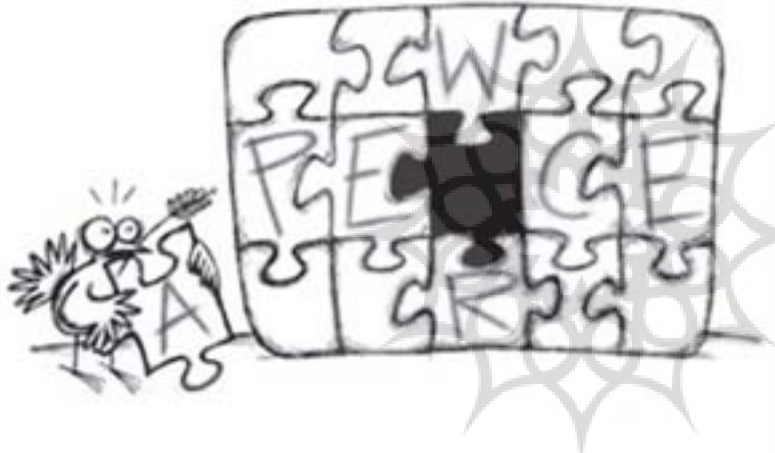
سوم- به یاد داشته باشید که کشور ما به خاطر منابع، سنت ها و ایده آل ها یک استثناست نه به خاطر آن که ما خود استثنا می سازیم و دیگران را ملزم به اطاعت از قوانینی می کنیم که خودمان وضع کرده ایم، شکنجه، سلاحی برای جنگ با ترور و وحشت آفرینی نیست، بلکه برعکس عاملی برای تحقیر ما و هدیه ای به القاعده است.

چهارم- این را بفهمید که نزد بسیاری از مردم خارج

را از آمریکا بگیری، دیگر چیزی از آمریکا باقی نمی ماند. به خاطر داشته باشید، دموکراسی تکوین و تکامل پیدا می کند و نمی توان آن را تحمیل کرد. دموکراسی از امتزاج ایده های بلند با تجربیات کوچک و بازار پدید می آید. یعنی وقتی که مردم جرات کنند حق و حقوق خود را به دیگری بسپارند و به حاکمیت قانون اعتماد پیدا کنند.

هفتم- به مردم آمریکا ایمان داشته باشید. ما از مخاطره کردن شانه خالی نمی کنیم. ما خیلی بیشتر از آن چه سیاستمداران تصور می کنند حاضر به فداکاری هستیم؛ بخصوص اگر با ما مانند بزرگسالان رفتار و از دروغ گویی پرهیز شود.

هشتم- به صداقت پادش دهید نه مجیز گویی، شما به مشاورانی احتیاج دارید که از هشدار دادن به شما نهراسند



بخصوص وقتی که به بیراهه می روی.

نهم- از گذشته بیاموزید اما برای تصمیم گیری برای آینده به کلیشه های تاریخی تکیه نکنید. دنیا در یک نقطه هرگز دو بار نمی ایستد. همه دشمنان هیتلر نیستند و اعمال ظریف و هوشمندانه دیپلماسی نباید با باج دادن اشتباه گرفته شود.

و سرانجام، کوه راشمور [همان کوهی که چهره های بسیار عظیم واشنگتن، جفرسون، لینکلن و تئودور روزولت به عنوان مشاهیر و یادبود ملی روی آن کنده کاری شده] را فراموش کن، اگر می خواهی کاخ سفید را با سرفرازی ترک کنی باید در مورد ظرفیت هایمان برای اشتباه مراقبت کافی به خرج دهی، چون رای دهندگان تو را رییس جمهور کرده اند نه خدا. (یعنی شاید خدا اشتباهات را ببخشد اما ملتی که تو را برگزیده اند ظرفیت اشتباهات تو را ندارند.) بزرگی را نمی توان با رفتن به دنبال بزرگی کسب کرد، بزرگی خودش با به کار بردن دایمی هوش و ذکاوت، جرات و شکیبایی برای پیگیری اهداف افتخار آمیز می آید.

آمریکا، ایالات متحده امروز بیشتر به خشونت و تکبر شناخته می شود تا عدالت و آزادی. اعمال و گفتار شما می تواند این وضعیت را تغییر دهد، اما شما تنها قصبه گوی کوچک و بازار (یا اینترنت) نیستید. یعنی شما باید سخت کار کنید تا اطمینان به نام آمریکا را باز گردانید. با دقت سخن بگویید، با شکیبایی گوش بدهید، برای خود احترام بخرید بدون آن که التماس کنید یا خیال آن را در ذهن پیورید و هر روز با سه محور شرارت یعنی فقر، جهالت و بیماری بجنگید.

پنجم- به ضعیف ترین نقطه ضعف القاعده حمله کنید. این تروریست ها جنگجو نیستند، قائلند که کودکان و مسلمانان و افراد غیر مسلح را می کشند. آنها هیچ چشم اندازی برای آینده جز شمشیر ندارند. آنها را نباید به تروریسم اسلامی متهم کرد چون جنایت آنان غیراسلامی ترین اعمال است. به عنوان رییس جمهور شما باید به کرات از سنت های سه دین یهودی، مسیحی و اسلام طرفداری کنید.

ششم- نگذارید اشتباهات رییس جمهور بوش شما را از پیشبرد دموکراسی منصرف سازد. اشتیاق شدید به آزادی